

«آواشناسی زبان عربی (الاصوات اللغویه)»

مؤلف: ابراهیم انیس

ناشر: دارالنهضة العربیه

سال نشر: ۱۳۴۰ - (۱۹۶۱)

نوبت چاپ: اول

محل نشر: قاهره

تعداد صفحات: ۲۰۳

کتاب «الاصوات اللغویه» تألیف نویسنده مصری دکتر ابراهیم انیس است. این کتاب توسط آقایان ابوالفضل علامی و صفر سفیدرو به فارسی ترجمه شده است و شامل یازده فصل است. در فصل اول مؤلف در باره صدا، صدای انسان، چگونگی پیدایش آواهای گفتار و اهمیت و مزایای شنوایی در درک آواها سخن گفته است و اشاره‌ای به تفاوت گفتار و آواز کرده است.

فصل دوم شامل قسمت‌های اندام‌های گفتار، جهر و همس صدا (لرزش تارآواها)، شدت و رخوت آواها (انسداد و سایش)، آواهای ساکن و آواهای لین (همخوان و واکه) است. نویسنده اندام‌های گفتار را به قسمت‌های نای، حنجره، حلق، زبان، کام بالا (شامل دندان‌ها، پایه دندان‌ها یعنی لثه و شکن‌های بعد از آن، سخت کام، نرم‌کام و زبان کوچک)، خیشوم و لب‌ها تقسیم می‌کند. او کام بالا یا سقف دهان را یک عضو می‌داند که شامل قسمت‌های مختلف است. مؤلف در ادامه به آواهای مجهور (واکدار)، مهموس (بی‌واک)، ساکن (همخوان)، لین (واکه)، شدید (انفجاری)، رخوت (سایشی)، تعطیش‌دار (انسایشی)، متوسط (روان) و صغیری اشاره می‌نماید. وی اشاره‌ای به محل تولید و سایر شیوه‌های تولید مثل کناری، ناسوده نمی‌کند. سایر مشخصات آوایی از قبیل هجایی، افراشته، پسین، افتاده، گرد، جلوده‌انی، تیغه‌ای، پیوسته، تیز، مرکزی و سخت هم از نظر وی دور مانده است.

در فصل سوم نویسنده به بررسی واکه‌ها و چگونگی و چرایی شکل‌گیری جدول واکه‌های اصلی^۱ توسط *دانیل جونز* می‌پردازد و نمونه‌هایی از واکه‌های اصلی را در دو زبان فرانسه و آلمانی ارائه می‌دهد ولی به واکه‌های اصلی ثانویه^۲ و واکه‌های مرکزی اشاره‌ای نمی‌نماید. او واکه‌های اصلی را به چهار گروه باز، بسته، پیشین و پسین تقسیم می‌کند. وی عدم توجه زبان‌شناسان عربی به واکه‌ها را نتیجه آیین نگارش در زبان عربی قدیم می‌داند که تنها به همخوانها توجه داشته و برای آنها علائمی وضع کرده است. در ادامه نویسنده بیان می‌کند که حرکت‌ها (فتحه، کسره و ضمه) در حقیقت همان حروف مدی (الف، یا و واو) هستند ولی از آنها کوتاه‌ترند و به صورت حرف کامل نوشته نمی‌شوند. وی قرائت قرآن قاریان برجسته مصری را تنها راه دستیابی به آواها در دوران‌های گذشته می‌داند چرا که واکه‌ها در لهجه‌های عربی جدید بسیار تغییر کرده است.

در ادامه دو آوای یا و واو را بنام شبه آوای لین بر می‌شمارد که معادل آن در آواشناسی نیم واکه می‌باشد. وی به‌طور مفصل تفاوت نیم واکه‌های /w,y/ را با واکه‌های /I,u/ ذکر می‌کند ولی یک تفاوت اصلی آن‌ها را نادیده می‌گیرد که نقش آن‌ها در ساختمان هجاست. نقش نیم واکه‌ها در ساختمان هجا همانند نقش همخوان‌هاست نه واکه‌ها مثلاً /w,y/ در آغاز هجا واقع می‌شود مثل «وَبِل، یُرید» ولی /I,u/ در این جایگاه واقع نمی‌شود.

در فصل چهارم جایگاه و شیوه تولید همخوان‌ها بررسی شده است. نویسنده جایگاه‌های تولیدی لبی، لبی-دندانی، سختکامی، نرمکامی و حلقی را برشمرده است. او /b/ و /m/ را لبی دانسته ولی به /w/ اشاره‌ای نکرده است. وی آواهای /D,T,D=d,d=t, t=l,r,n,z,s,s=/ را تحت عنوان صداهای قریب المخرج ذکر می‌کند زیرا مخارج آن‌ها تقریباً منحصر در قسمت پیشین زبان (و تیغه آن) و دندان‌های پیشین بالا (و ریشه و پایه‌های آن) است. این آواها را در آواشناسی با مشخصه تیغه‌ای می‌شناسند. از نظر جایگاه تولیدی هم در جدول الفبای بین‌المللی آوایی (IPA) /D,T,D=d/ دندانی، /t,d,n,l,r,s,z,z=t,s=/ لثوی و /S/ لثوی-کامی می‌باشند. به واج /S/ هم در این قسمت اشاره‌ای نشده است. سپس نویسنده

1. cardinal vowels

2. secondary cardinal vowels

۳ - D= (ظ) - d= (ض) - t= (ط) - s= (ص)

درباره تلفظ /z=/ به طور مفصل سخن گفته است. در ادامه وی /r/ , n , l/ را به نام ذولقی می‌شناسد و می‌گوید که به نظر آواشناسان، شباهت آنها علاوه بر نزدیکی مخارج، میزان وضوح و آشکار بودن آنهاست و اینکه آنها از واضحترین همخوانها هستند و از این نظر شبیه واکه اند. می‌دانیم که این سه همخوان مشخصه [رسا] دارند ولی نویسنده به این مشخصه اشاره نداشته است. او معتقد است در /l/ هوا از کنار زبان می‌گذرد (اشاره به مشخصه کناری) و /r/ دارای صفت تکریری (مشخصه لرزشی) می‌باشد. او به فرایندهای تجویدی قرآن از قبیل ترقیق ، تفخیم ، اخفاء ، اظهار و ادام نون و امثال آن پرداخته است.

فرایندهای ادغام و اخفاء مواردی از همگونی می‌باشند. نویسنده آواهای /s, z s/ را صفیری (sibilant) می‌داند. در آواشناسی /s, z/ هم صفیری‌اند یعنی بلندی و انرژی شنیداری بیشتری دارند ولی نویسنده به /s/ اشاره‌ای نکرده است. در این قسمت برخی مشخصه‌های ممیز ذکر نشده‌اند و سایر مشخصات ذکر شده هم به طور سازمان یافته و مرتب بیان نشده‌اند.

نویسنده /s, s, dz/ را سختکامی می‌داند ولی در جدول IPA /s/ لثوی-کامی است. نویسنده در جایی می‌گوید ج در کشورهای عربی به صورتهای مختلفی درآمده و به شکل /z, g, d/ نیز تلفظ می‌شود ولی تلفظ اصلی آن در قدیم بدون انسایش و شبیه /d/ بوده است و در جایی دیگر می‌گوید جیمی که در قرائت قاریان می‌شنویم به جیم اصلی نزدیکتر است. ملاحظه می‌شود که در بین این دو نظر تناقض به چشم می‌خورد. در ادامه او /g, x, ʔ, æ, h, ʔ/ را حلقی می‌داند در حالیکه در جدول IPA /g, x/ نرمکامی، /æ, ʔ/ حلقی و /h, ʔ/ چاکنایی‌اند.

سپس نویسنده مفصلاً درباره همزه صحبت می‌کند. وی اظهار می‌دارد که به دلیل مشکل بودن تلفظ در پاره‌ای از موارد همزه ، حذف یا تسهیل می‌شود. در همین رابطه وی نمونه‌ای از فرایند کشش جبرانی را بیان می‌کند ولی اشاره‌ای به نام فرایند ندارد. او می‌گوید برخی قرا «یؤمنون» را «یومنون» و «ذئب» را «ذیب» و «رأس» را «راس» تلفظ می‌کنند.

در فصل پنجم آرای اندیشمندانی چون سیبویه، ابن سینا، ابن جنی، ابن یعیش، ابن جزری و خلیل ابن احمد فراهیدی درباره آواهای زبان بطور مفصل مطرح شده است. در

۲۰۰ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

فصل ششم نویسنده برخی مشخصات زیرزنجیری مثل کشش، تکیه، هجا و آهنگ را بررسی می‌کند.

فصل هفتم در ارتباط با فرایند همگونی است. نویسنده پس از توضیح فرایند همگونی به انواع پیشرو و پسرو آن اشاره کرده و نمونه‌هایی از همگونی در جایگاه و شیوه تولید را در زبان عربی و قرآن مجید برمی‌شمرد و مثال‌های متعددی از همگونی جایز (ادغام جایز) را در قرآن مجید ذکر می‌کند. در فصل هشتم نویسنده ابتدا مواردی از تغییرات تاریخی آواهای عربی را مطرح می‌کند و سپس به پدیده ناهمگونی می‌پردازد و آن را نتیجه تئوری سهولت می‌داند که بیان می‌کند انسان در گفتار خود تمایل به تلفظ صداهای آسانی دارد که نیازی به فعالیت عضلانی ندارد. در فصل نهم نیز نویسنده به تکامل آوای زبان کودک و شکل کلمات در زمزمه‌های کودکان پرداخته است. این فصل به مباحث زبان آموزی کودک بطور کلی پرداخته و ارتباط مستقیمی با زبان عربی ندارد.

فصل دهم به عوامل دگرگونی آواها از نسلی به نسل دیگر می‌پردازد. نویسنده هفت عامل را در این زمینه موثر می‌داند ۱- تغییر واجگاه آواهای گذشته ۲- محیط جغرافیایی ۳- حالت روحی گوینده ۴- تئوری سهولت ۵- تئوری شیوع ۶- مجاورت آواها ۷- انتقال تکیه. فصل یازدهم دربارهٔ تاثیر عادت‌های زبان مادری در یلاگیری زبان خارجی است. نویسنده ابتدا مباحث کلی در این زمینه را مطرح می‌کند و سپس مثال‌هایی را از تفاوت‌های زبان انگلیسی با زبان عربی و مشکلات دانش آموزان مصری در آموزش زبان انگلیسی در زمینهٔ آواها، جایگاه تکیه و هجا مطرح می‌کند.

در آخر موارد ذیل لازم به تذکر است. مترجمان برای اصطلاحات آواشناختی عربی معادل فارسی به کار نبرده‌اند و به طور پراکنده فقط به ذکر برخی از معادل‌های فارسی و انگلیسی در پاورقی‌ها بسنده کرده‌اند.

نویسنده برای فرایندهای متعددی از قبیل ادغام، اخفا و ابدال هیچ گونه قاعده‌ی آوایی ارائه نداده است و به طور کلی از علائم و قواعد مرسوم در آواشناسی و واج‌شناسی استفاده نشده است. اگر واج‌های زبان عربی به صورت یک جدول ارائه می‌شد و علائم آوایی آنها به همراه حروف عربی متناظرشان آورده می‌شد پژوهشگران زبان‌شناسی می‌توانستند آسان‌تر از این کتاب استفاده کنند.